

ارزیابی چگونگی راهبرد نوین مستشاری ایران در مقابله با گروه‌های تکفیری در سوریه

قدیر نظامی پور^۱

مهديه شادمانی^۲

منیژه اخوان^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۶/۳۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۷/۱۵

چکیده

جمهوری اسلامی ایران امروزه به عنوان مهمترین کانون اقتدار و امنیت در منطقه به تاثیرگذارترین بازیگر منطقه خاورمیانه تبدیل شده است که در مهمترین مناسبات منطقه حضور دارد، بطوری که بدون حضور ایران نمی‌توان مناسبات منطقه‌ای را پیش برد. با توجه به تحولات اخیر که گروه‌های تکفیری در کشورهای سوریه و عراق با هدف ایجاد خلافت اسلامی شکل داده است یکی از بزرگترین بحران‌های امنیتی - سیاسی منطقه خاورمیانه با محوریت تهدیدات نوین صورت گرفته است. باید توجه داشت تحولات سوریه و عراق به طور کامل مستقیم بر امنیت جمهوری اسلامی ایران تاثیر دارد و ایران خود را ملزم میبیند در راستای حفظ منافع ملی و نقش قدرت منطقه ایش به عنوان کلیدی ترین بازیگر در مبارزه با گروه تکفیری در سوریه ایفای نقش کند، این پژوهش با روش پژوهش توصیفی - تحلیلی و بر اساس چارچوب نظری موازنه تهدید والت، با نگاه واقع بینانه به تحلیل نقش جمهوری اسلامی ایران در مبارزه با جریان افراطی - تکفیری در سوریه پرداخته است. فرضیه به آزمون گذاشته این پژوهش نیز عبارت است از اینکه جمهوری اسلامی ایران با توجه به راهبرد امنیتی در قالب دفاع از نظام سوریه در چهارچوب موازنه تهدید در قالب راهبرد مستشاری علیه قدرت‌های بزرگ وارد عمل شده است. به طور کلی یافته‌های این تحقیق دلالت دارد بر اینکه جمهوری اسلامی ایران از طریق حضور تیم مستشاری مقامات بلند مرتبه نظامی در سوریه و فعالیت‌های سازندگی، فرهنگی، فکری، تبلیغی و آموزشی، توانسته در حفظ امنیت داخلی ایران و همچنین حفظ امنیت و یکپارچگی سوریه موفق عمل کند.

کلید واژه‌ها: بحران سوریه، جریان تکفیری، جمهوری اسلامی ایران، حضوری مستشاری، موازنه تهدید

۱- عضو هیئت علمی دانشگاه عالی دفاع ملی

۲- عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور shadmani.mahdiye@yahoo.com

۳- دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه اصفهان

۱- مقدمه

امروزه جریان‌های تکفیری افراطی در منطقه خاورمیانه (کشورهای اسلامی) به یک بازیگر فعال و تاثیرگذار منطقه‌ای تبدیل شده است. گروه داعش به عنوان یک سازمان سلفی افراطی گرای به اصطلاح اسلامی (جنبش سیاسی - مذهبی سنی گرا) که به گفته خودشان به دنبال بازگرداندن دوران طلایی اسلامی (دوران خلفای بعد از حضرت محمد (ص)) هستند و معتقدند این امر از طریق جهاد در برابر دو دشمن داخلی و خارجی صورت می‌پذیرد. (The Meir Amit Intelligence, 2014:3) به دنبال خیزش‌های مردمی در کشورهای تونس و مصر از ژانویه ۲۰۱۱، اعتراضات در شهرهای مختلف سوریه هم آغاز و معترضان خواهان کناره گیری بشار اسد از قدرت شدند. ادامه اعتراضات باز شدن پای قدرتهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را به دنبال داشت و در دو جبهه، طرفداران حفظ وضع موجود و تغییر وضع موجود در مقابل هم قرار گرفتند. کشورهای غربی به رهبری آمریکا و متحدان منطقه‌ای آن بر عزل بشار اسد و در مقابل کشورهای روسیه، چین و ایران بر اصلاح مسالمت آمیز اوضاع تأکید کردند. با شدیدتر شدن درگیری‌ها و ناکامی اقدامات دیپلماتیک، سیاست مسلح کردن گروه‌های معارض آغاز و سوریه به سمت جنگ داخلی پیش رفت. (عباسی، محمدی، ۱۳۹۲: ۷۱) آنچه در سوریه شکل گرفته است را می‌تون انعکاس سیاست امنیتی آمریکا برای گسترش قالب‌های هویت ناهمگون علیه دولت سوریه دانست. در این فرایند، دولت سوریه در برابر فشارهای سیاسی و اجتماعی جدیدی قرار گرفته که مطلوبیت امنیتی آن کشور را خدشه‌دار می‌کند. در این فرایند، نشانه‌های هنجاری سوریه که مشروعیت بخش قدرت دولت محسوب می‌شود، مورد انتقاد گرفته است. (کوه خلیل، ۱۳۹۲: ۵۸) بر این اساس در راستای تبیین سیاست خارجی ایران باید اشاره داشت که تلاش ج.ا.ا. ایران برای افزایش نقش منطقه‌ای، بیشتر با هدف افزایش «امنیت نسبی» صورت می‌گیرد. ریشه‌های افزایش نقش ایران نیز در درجه اول به ویژگی‌های طبیعی ساخت قدرت، سیاست، موقعیت ژئوپلتیک و جغرافیای فرهنگی ایران بر می‌گردد. همچنین اهداف و راهبردهای سیاست خارجی ایران بیشتر تدافعی و عملگرایانه است و قبل از هر چیز سعی دارد چالش‌های امنیتی ناشی از بروز تحولات جدید سیاسی و امنیتی در منطقه را از بین ببرد. در سال‌های گذشته، بحران‌ها، جنگ‌ها و تنش‌ها در منطقه برای ایران پرهزینه و منبع بی ثباتی بوده است. با توجه به این رویه، بهره‌گیری از سیاست ائتلاف و اتحاد در سیاست خارجی ایران در منطقه واکنشی تدافعی برای رفع تهدیدات امنیتی است نه فقط تلاشی برای افزایش قدرت در سطح منطقه. این سیاست دو جنبه دارد: نخست ایجاد اتحاد و ائتلاف با دولت‌های منطقه یا گروه‌های سیاسی برای تضعیف منابع مشترک تهدیدهای امنیتی، دوم رفع این تهدیدات از راه حضور موثر

و فعال در مسائل سیاسی امنیتی منطقه. (برزگر، قاسمی، ۱۳۹۲: ۱۴۲-۱۱۵) می‌توان در بحران اخیر سوریه نیز، هدف ایران را در حمایت قاطعانه از دولت اسد در برابر مخالفین داخلی و خارجی، حفظ محور سه گانه راهبردی دانست که جایگاه ویژه‌ای در موازنه تهدید منطقه‌ای ایران علیه آمریکا و رژیم صهیونیستی دارد. در واقع، در حال حاضر اسرائیل و آمریکا دو تهدید عمده مشترک فراروی ایران و سوریه در منطقه محسوب می‌شوند که به صورت طبیعی این دو کشور را به سوی اتحاد با هم سوق داده‌اند. (نیاکوئی، اسمعیلی، ستوده، ۱۳۹۲: ۱۳۷-۱۲۴) بنابراین پژوهشگران این پژوهش با طرح مسئله چگونگی راهبرد ایران، به این دغدغه ذهنی پاسخ می‌دهد که با توجه به چه چارچوب‌هایی، در راستای حفظ امنیت نسبی ایران و سوریه تلاش می‌کند. اهمیت و ضرورت اهتمام بر این مبحث، شناخت سطوح مستشاری ایران در سوریه می‌باشد که با تشریح نوع مدیریت ایران به عنوان قدرت منطقه‌ای، این راهبرد در ۴ سطح راهبردی، عملیاتی، تاکتیکی و فنی مورد واکاوی قرار می‌گیرد.

هدف اصلی این پژوهش نیز تبیین ویژگی‌های راهبرد نوین ایران در بحران سوریه و دستاوردهای پیش روی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. بدین سان این مقاله در راستای پاسخگویی به سوال اصلی پژوهش که راهبرد نوین جمهوری اسلامی ایران به عنوان موثرترین بازیگر منطقه‌ای در مبارزه با جریان تکفیری چگونه است؟، چندین محور را مورد بررسی قرار می‌دهد: در بخش اول این پژوهش، موازنه تهدید استفان والت به عنوان چارچوب نظری پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرد. در بخش دوم در قالب تئوری موازنه تهدید، روابط ایران و سوریه مورد تحلیل قرار گرفته است. و در بخش سوم نیز سطوح مستشاری ایران در ۴ سطح در قالب نظریه موازنه تهدید در قبال بحران سوریه تحلیل شده است.

۲- مفاهیم و مبانی نظری

۲-۱- پیشینه تحقیق

تاکنون پژوهشگران و اندیشمندان متعددی به بررسی روابط راهبردی سوریه و جمهوری اسلامی ایران در دو بازه زمانی قبل و بعد از بحران سوریه پرداخته‌اند. که در کاوشهای ذهنی خود به ترسیم ابعاد مختلف راهبردی این دو کشور در قالب مقاله، کتاب و پژوهش اقدام نموده‌اند. در ادامه به معرفی مهمترین آثار منتشر شده در این حوزه می‌پردازیم:

صادقی، لطفی (۱۳۹۴) در مقاله «تحلیل مواضع جمهوری اسلامی ایران در قبال بحران سوریه» با تاکید بر رویکرد واقعگرایی جمهوری اسلامی ایران نسبت به بحران سوریه، معتقدند: «جمهوری اسلامی

ایران به سوریه به عنوان یک متحد راهبردی در منطقه‌ی خاورمیانه می‌نگرد و حفظ دولت سوریه و حمایت از گروه‌های اسلامی از قبیل حماس و حزب الله را همواره بعنوان یکی از اهداف مهم در رویکرد سیاست خارجی خود مطرح نموده است.

سیمبر، قاسمیان (۱۳۹۳) در مقاله «مؤلفه‌های اساسی محیط امنیتی ایران و سوریه» از سوریه به عنوان متحد ایران برای جلوگیری از دستبرد کامل منطقه توسط غرب نام می‌برند و بیان می‌کنند: «در مقایسه با دیگر آشوب‌های منطقه ای، بحران سوریه نگرانی جدی تری برای تهران به شمار می‌رود. سوریه علاوه بر اهمیت راهبردی عمومی و به دلیل جایگاهش در جبهه‌ی مقاومت و ارتباط و اتحاد با جمهوری اسلامی در محاسبات منطقه‌ای و جهانی، اهمیت مضاعف پیدا کرده است و تبیین این موقعیت برای ایران امری ضروری است.»

قربانی (۱۳۹۴) در مقاله «سیاست خارجی ایران در قبال تحولات سوریه و پیامدهای منطقه‌ای آن» اشاره می‌کند: «جمهوری اسلامی ایران یکی از بازیگران مهم منطقه‌ای محسوب می‌شود که اهداف و منافع خاص خود را در منطقه خاورمیانه دارد. رویکرد ایران درخصوص بحران سوریه مبتنی بر تعامل با جامعه جهانی در جهت حل بحران و اصل قراردادن خواست مردم سوریه در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۱۱ این کشور در تعیین ساختار آینده نظام سیاسی این کشور می‌باشد. از این منظر می‌توان نظر جمهوری اسلامی ایران مبنی بر پایان خشونت‌ها از سوی طرفین، عدم مداخله مخرب خارجی و تمهید مقدمات برگزاری انتخابات ریاست جمهوری سال آینده میلادی در سوریه را به عنوان مرجع تعیین اراده دانست و خواست ملت سوریه در تعیین نوع نظام سیاسی حاکم بر این کشور را نیز به عنوان راه حلی میانه تلقی نمود.»

با توجه به مطالبی که ایراد شد، می‌توان اذعان داشت که در حوزه موضوع پژوهش، تحقیقات صورت گرفته به صورت جامع و روشن به نحوه حضور ایران در سوریه اشاره نکرده اند. در مقاله «تحلیل مواضع جمهوری اسلامی ایران در قبال بحران سوریه»، نویسندگان بیشتر با تاکید بر چارچوبی تئوریک به بررسی روابط و منافع این دو کشور پرداخته است.

در مقاله «مؤلفه‌های اساسی محیط امنیتی ایران و سوریه» نیز پژوهشگران سعی نموده‌اند عوامل اصلی شکل دهنده محیط امنیتی ایران و سوریه را تشریح کنند.

در مقاله سوم نیز قربانی به بیان ساختار سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و تاکید بر نگاه مسالمت آمیز و صلح محور در چارچوبی تئوریک دارد.

در یک دید اجمالی، می‌توان ادعان داشت که نقطه اصلی تفاوت و وجه تمایز این مقاله با پژوهش‌های دیگر، بررسی واقع بینانه و تحلیل راهبرد نوین جمهوری اسلامی ایران در مبارزه با جریان افراطی - تکفیری در سوریه بر اساس می‌باشد که تنها در قالب نظریه‌های روابط بین الملل و چارچوبی تئوریک اقدامات ایران را تعریف نکرده است. تشریح حضور تیم مستشاری مقامات بلند مرتبه نظامی ایران در سوریه و عراق و بیان مصادیقی از فعالیت‌های سازندگی، فرهنگی، فکری، تبلیغی و آموزشی از جمله مواردی است که سبب نگاه متفاوت این پژوهش در مقایسه با اقدامات مشابه صورت گرفته باشد. بنابراین تحلیل تمام راهبردها و دکترین حضور ایران در سوریه از مهمترین نشانه‌های برجسته مقاله «راهبرد نوین مستشاری ایران در مقابله با گروه‌های تکفیری در سوریه» می‌باشد.

۲-۲ - مفهوم‌شناسی

منافع ملی: منافع ملی به معنای هدف‌های عام و ماندگاری که یک ملت برای دستیابی به آنها تلاش می‌کند. طبق این تعریف، منافع ملی، مفهوم وسیعی است که تنها به معنای حفظ استقلال ملی و تمامیت ارضی نیست و ممکن است حیطه وسیعی که شامل دستیابی به انرژی، منابع مواد خام، فناوری جدید، توسعه اقتصادی، منطقه نفوذ و دفاع از اتباع خود در خارج از مرزها و... را نیز در خود، جای دهد. (روشندل، ۱۳۷۴: ۳۳)

سیاست خارجی: سیاست خارجی عبارت است از یک استراتژی یا یک رشته اعمال از پیش طرح ریزی شده توسط تصمیم گیرندگان حکومتی که هدف آن دستیابی به خواسته‌های معین در چارچوب منافع ملی و در محیط بین المللی است. سیاست خارجی ابتکار عمل یک دولت و یا واکنش آن در قبال کنش دیگر دولت‌ها نیز تعریف شده است. (مقتدر، ۱۳۵۸: ۳۲-۳۱)

تروریسم: تروریسم دربردارنده یک هدف و غایت سیاسی است و براساس خشونت و یا وحشت از خشونت استوار شده است. تروریسم به منظور ایجاد وحشت در مخاطبان، که غیر از بزه دیدگان مستقیم هستند، طراحی می‌گردد. چنین خشونت بایستی از سوی یک سازمان یا یک فرد به صورت برنامه ریزی شده صورت گیرد. لاقلاً یکی از بازیگران تروریسم، خواه مرتکبان، بزه دیدگان یا هردو، اشخاصی غیر دولتی هستند، و در پایان اینکه تروریسم خشونت است که برای تخریب یا ساختن قدرت در وضعیتی که این قدرت رو به افول است، طراحی می‌گردد. بدین معنا که اقدامات خشونت آمیز تروریستی در پی آن هستند که مبنای قدرت به عنوان عاملی که ارتکاب این اعمال را برعهده می‌گیرد، را تقویت می‌کند.» (کدخدایی، ساعد، ۱۳۹۰، ص ۴۱)

راهبرد: به لحاظ ریشه‌شناسی، واژه "راهبرد" (Strategy) (استراتژی) مشتق از کلمه یونانی "استراتگوس" (Strategus) و مرکب از دو لغت "استراتوس" (Stratus) یعنی قشون و "آگاس" (Agaugus) یعنی راهنما و به معنای فرمانده است. در یونان قدیم، فنون یا نقشه‌هایی که یونانیان و همچنین رومیان برای کسب پیروزی در جنگ به کار می‌بردند "استراتژوم" (Strategum) نامیده می‌شد. بر همین اساس، راهبرد در اصل و در معنای نخستین خود بیانگر حيله‌ها، نقشه‌ها و تدابیر نظامی بود. این اصطلاح در طول زمان به دو گونه معرفت یعنی "دانش طرح‌ها و نقشه‌های نظامی" و دیگری به معنای "دانش حرکات و تاکتیک نظامی" اطلاق می‌گردید. ولی به تدریج فقط در مورد اولی به کار رفت و از همین رو، در نخستین تصور از راهبرد، آن را شیوه‌ای برای مدیریت صحنه نبرد و غلبه نظامی بر دشمن تلقی می‌کردند. اما در گذر زمان، کلاوزوتس تا حدودی حوزه و گستره کاربرد راهبرد را موسع تر نمود و آن را «فن هدایت نیرو و تطبیق و هماهنگ ساختن نیروها جهت نیل به هدف‌های بزرگ» تعریف کرد. هر چند این تعریف نسبت به معنای اولیه آن دایره شمول بیشتری را دربر می‌گرفت، ولی این تعریف نیز همچنان راهبرد را بیانگر طرح‌های عملیاتی و تدابیر و هماهنگی‌های کلی در میدان جنگ تلقی می‌کرد و کمتر مسائل پیرامونی جنگ را دخیل در امر راهبرد می‌دانست.

"لیدل هارت" نخستین کسی بود که تلاش کرد معنای راهبرد را از دایره صرف تدبیر میدان نبرد و امور مربوط به جنگ خارج و گستره مفهومی آن را فراخ تر نماید و تعریف این واژه را به امور سیاسی و کشورداری نیز مرتبط کند. مبتنی بر این هدف، وی راهبرد را «هنر (فن) تخصیص و کاربرد ابزار و وسایل نظامی برای نیل به هدف‌های سیاسی» تلقی کرد و بر این اعتقاد بود که راهبرد باید پلی باشد برای تحقق هدف‌های سیاسی یک کشور - ملت که تأمین امنیت ملی در رأس آنها قرار دارد. (روشندل، ۱۳۷۰: ۲۴۲-۲۳۵)

۳-۲- رویکرد نظری پژوهش

رئالیسم تدافعی (موازنه تهدید: والت)^۱

از مهمترین اقدامات در راه درک مسائل بین‌المللی، مساعی و کوشش‌هایی است که از اوایل قرن حاضر در تفهیم ضرورت تئوری، به عمل آمده است. در این خلال، تقریباً این توافق نسبتاً جمعی، در حوزه مطالعات روابط بین‌الملل حاصل آمده که بدون داشتن تئوری‌های منسجم و جامع، درک مسائل بین‌الملل به طریقی سیستماتیک امکان پذیر نیست. (سیف‌زاده، ۱۳۶۹: ۱۷) بنابراین بسیاری بر این باورند که نظریه

روابط بین الملل عبارتست از مطالعه سیستماتیک پدیده‌های قابل مشاهده، که سعی دارد از طریق کشف متغیرهای عمده به توضیح و تشریح رفتارهای گوناگون بپردازد و مختصات انواع روابط میان واحدهای ملی را بیان نماید. نظریه‌های روابط بین الملل از دیدگاه‌ها و چشم اندازهای متفاوت و بعضاً متعارف به بررسی سیاست بین الملل پرداخته و آنرا تحلیل می‌نمایند. از اینرو هر کدام صرفاً بخشی از واقعیت را تشریح و تبیین می‌نمایند. با این مقدمه، در راستای تبیین راهبرد سیاست خارجی ایران در بحران سوریه، شاید بتوان چارچوب نظری رئالیسم تدافعی (موازنه تهدید والت) را مد نظر داشت. در سال ۱۹۸۷، والت تعریف خود را از نظریه تهدید به عنوان یک اصلاح اصلی از رویکرد کلاسیک والتز معرفی کرد. در نگاه او شواهدی وجود دارد که توازن از تئوری تهدید بهتر از توازن نظریه قدرت می‌باشد. در اندیشه رئالیسم تدافعی، توزیع کلی قدرت نسبت به سطح و جهت تهدیدها اهمیت کمتری دارد. نظریه "موازنه تهدید" استفان والت، مدعی است که کشورها به تهدیدها واکنش نشان نمی‌دهند. آنها به برداشت خود از تهدید واکنش نشان می‌دهند. سطح تهدیدی که کشور پدید می‌آورد نه فقط به قدرت کلی آن، بلکه به مجاورت جغرافیایی، قدرت و مقاصد تهاجمی اش بستگی دارد. (یزدان فام، ۱۳۸۶: ۷۳۱-۷۳۰) بر اساس نظریه توازن تهدید، کشورها نه در برابر قدرت بلکه در برابر کشورهای موازنه ایجاد می‌کنند که برای شان به شکل خاصی خطرناک جلوه می‌کنند. این نظریه می‌کوشد نظریه توازن قدرت را با لحاظ کردن عوامل دیگری تعمیم دهد. اما نظریه تهدید را به دشواری می‌توان به آزمون کشید زیرا برآورد و سنجش این عوامل دشوار است. به گفته والت تهدید از قدرت کلی، مجاورت جغرافیایی، قدرت آفندی، و نیات تجاوزکارانه تشکیل می‌شود. قدرت کلی همان مجموع منابع کشور است؛ کشوری که منابع بیش تری داشته باشد می‌تواند تهدید جدی تری از کشوری که منابع کم تری دارد مطرح سازد. مجاورت جغرافیایی از این رو اهمیت دارد (در صورت برابر بودن سایر شرایط) کشورهای نزدیک اغلب تهدید کننده تر از کشورهای دور هستند. قدرت آفندی، توانایی یک دولت برای تهدید کردن حاکمیت یا تمامیت سرزمینی دولت دیگر با هزینه‌ای قابل قبول است. سرانجام، کشورهایی که تجاوزگری پیشینه تصور شوند احتمال بیش تری دارد که موجب ایجاد توازن شوند تا دولت‌های دیگر. نیات تجاوزکارانه تمایل یک کشور خاص به واداشتن کشوری دیگر به واکنش را مشخص می‌سازد؛ وضعیتی که نمونه اش آلمان نازی بود. والت در نظریه اش بر اهمیت نیات تجاوزکارانه به جای منابع مادی قدرت تأکید می‌ورزد.

در نظر والت متغیر ایدئولوژی به عنوان یک انگیزه برای شکل دادن اتحاد برای موازنه، در قیاس با متغیرهای قدرت و تهدید کمتر تعیین کننده است. والت بسیاری از اتحادهای ایدئولوژیکی را به عنوان

شکلی از رفتار موازنه تفسیر کرده است. یافته‌های والت نشان می‌دهد که اهمیت تفاوت‌های ایدئولوژیکی هنگامی که سطح تهدید افزایش پیدا می‌کند، کاهش می‌یابد و وقتی که عوامل ایدئولوژیک و ملاحظات امنیتی همدیگر را تقویت می‌کنند، استحکام اتحاد بیشتر می‌شود. به طور خلاصه، والت استدلال می‌کند که دولت‌ها بیشتر به موازنه تمایل دارند تا دنباله روی، و ایدئولوژی یک نقش مهم اما محدود در تشکیل اتحاد ایفا می‌کند. همچنین والت می‌گوید: «کمک خارجی و سیاسی و همچنین نفوذ اقتصادی نقش کمی در شکل‌گیری گزینه‌های اتحاد به خودی خود ایفا کرده، اما ممکن است یاری بخش منافع موجود در منافع کشورهای همسو باشد.» (نباکوئی، اسمعیلی، ستوده، ۱۳۹۲: ۱۲۴)

۳- جمهوری اسلامی ایران و بحران سوریه

۱-۳- روابط استراتژیک ایران و سوریه

سوریه و ایران یکی از غیرمحمتمل‌ترین مشارکتها در جهان را در طول چند دهه گذشته تشکیل داده‌اند. دو کشور زبان و فرهنگ مشترکی ندارند، شهروندانشان از نژادی مشابه نیستند، اشکال حکومتشان به طور قطعی و چشمگیری متمایز از هم است و مذهب بیشتر ساکنین این دو کشور (اسلام سنی در مقابل اسلام شیعه) مشابه نیست؛ با این وجود، این دو کشور امروزه یکی از قویترین و عمده‌ترین اتحادها را در کل خاورمیانه تشکیل داده‌اند. ریشه‌های محوری اتحاد ایران و سوریه به تحولات اواخر دهه هفتاد برمی‌گردد. از زمان استقلال سوریه در سال ۱۹۴۶ تا پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۹۷۹، روابط دو کشور خصمانه بوده است (همان، ۱۳۹۲: ۱۲۵-۱۲۴) البته روابط دو کشور در سال ۱۹۷۰ با به قدرت رسیدن حافظ اسد در یک کودتا تا زمان پیروزی انقلاب اسلامی، متأثر از روابط سوریه - عراق و روابط - عراق و تهدیدات منطقه‌ای بوده است. با وخامت روابط ایران و عراق در اوایل دهه هفتاد، روابط ایران و سوریه بهبود قابل توجهی پیدا کرد و ایران صدها میلیون دلار وام و کمک مالی به سوریه اعطا کرد. اما این پیوند نزدیک چندان دوام نیاورد. در نیمه دوم هفتاد با گرم‌تر شدن روابط آمریکا و مصر و تصمیم سادات برای پیگیری صلح جداگانه با اسرائیل و پیوندهای نزدیک شاه با قاهره و واشنگتن، اسد امیدوار بود که شاه را مجاب کند که از نفوذش برای متقاعد کردن آمریکاییها به منظور اتخاذ یک رهیافت متوازن برای حل منازعه اعراب - اسرائیل استفاده کند. ولی شاه از پذیرش این درخواست سرباز زد و به جای آن ابتکار صلح انور سادات را نسبت به اسرائیل تشویق کرد. (سیمبر، اسمعیلی، ۱۳۹۲: ۱۳) در این مقطع، ایران به روشنی در اردوگاه غرب و همچنین دارای روابط نزدیکی با آمریکا و تا حدودی رژیم صهیونیستی بود؛ بدین ترتیب، طبیعتاً مخالف

سیاست‌های ضد اسرائیلی و شوروی گرایبی سوریه نیز بوده است. سوریه ایران را به عنوان نوکر آمریکا تلقی می‌کرد و به اتحاد استراتژیک ایران و آمریکا به عنوان بخشی از تسلط اسرائیل و ایران بر جهان عرب نگاه می‌کرد. اما ظهور انقلاب اسلامی ایران در منطقه تحولی گفتمانی را در زمانه خود ایجاد کرد و باعث الهام بخشی به عده کثیری از مسلمانان جهان شد (نیاکوئی، اسمعیلی، ستوده ۱۳۹۲: ۱۲۵-۱۲۴) در این میان روابط دو کشور سوریه و ایران نیز به دلیل نزدیکی مواضع سیاسی به سرعت بهبود و گسترش یافت. بعد از حمله آمریکا به افغانستان (۲۰۰۱) و عراق (۲۰۰۳) نیز، معادلات استراتژیکی منطقه تغییر پیدا کرد و اتحاد استراتژیک ایران و سوریه با توجه به تهدیدات و موضوعات جدید وارد فاز جدیدی شد. در این دوره، صدام به عنوان دشمن و تهدید مشترک ایران و سوریه سقوط کرده بود و رهیافت آمریکا در این زمان نسبت به ایران و سوریه، تغییر رژیم بود. رویکرد تغییر رژیم اتحاد استراتژیکی سوریه با ایران را تقویت و باعث تحریک مخالفت سوریه با منافع آمریکا در عراق و لبنان شد. نامگذاری ایران و سوریه از طرف آمریکا به عنوان دولت‌های یاغی و حامی تروریسم، توأم با موقعیت خطرناک این دو کشور در مرز با عراق، به طور طبیعی ایران و سوریه را به سوی همدیگر سوق داده است. سوریه و ایران هر دو هدف مشترکی داشتند، و آن اینکه هدف بعدی استراتژی تهاجمی آمریکا نباشند. با این نگرش، ایران و سوریه در سال ۲۰۰۴ یک موافقت نامه همکاری استراتژیک و در سال ۲۰۰۶ یک پیمان دفاعی دوجانبه امضا کردند. از طرف دیگر، حمله رژیم صهیونیستی به جنوب لبنان در ۲۰۰۶ و غزه در ۲۰۰۸ نیات تهاجمی رژیم صهیونیستی در منطقه را آشکارتر نمود و باعث شد که ائتلاف استراتژیک ایران، سوریه و حزب الله لبنان مستحکم تر شود. بر اساس گزارش مجله جین در سال ۲۰۰۹، ایران دستیابی سوریه به سیستم‌های دفاع هوایی موشک‌های زمین به هوای کوتاه برد (پنت سیر اس وان) را تأمین مالی کرد؛ این موشک‌ها به ارزش ۳۰ میلیون دلار بوده که در سال ۲۰۰۹ به سوریه تحویل داده شد. از دید ایران، سوریه یک حلقه مهم مرتبط کننده ایران به لبنان تلقی می‌شود و به عبارتی، عرصه مهمی است که به برکت تکامل موفقیت آمیز حزب الله بعنوان یک سازمان برجسته اسلامی شیعی، می‌تواند نقش یک جبهه ایرانی را علیه اسرائیل (در قالب موازنه تهدید) ایفا نماید. در حقیقت، ایران فشار غرب به حکومت اسد را بعنوان بخشی از تلاش طراحی شده برای سرنگونی حکومت در تهران و تغییر موازنه تهدید به ضرر ایران می‌بیند (همان، ۱۳۹۲: ۱۲۹). بنابراین در خصوص روابط این دو کشور باید اشاره کرد که به رغم وجود منافع مشترک در تحکیم پیوندهای دوستی، اما آنچه که به قوام این روابط انجامید وجود تهدیدهای مشترک است. سنگ بنای روابط وقتی بر پایه تهدیدها شکل گیرد، با تغییر تهدیدها نیاز به پی‌سازی نوین روابط در آن حوزه نیز ضروری می‌گردد. چالش‌های نظام بین الملل علیه

سوریه و ایران و رویکرد انزواسازی این دو کشور از سوی غرب در تقریب دو کشور نقش مهمی داشته است. این قضیه به ویژه برای ایران بیشتر صادق است؛ زیرا که دولت ایران در جهان عرب اساساً بدیلی غیر از سوریه نداشته است. مگر اینکه عراق پس از صدام را شریک سیاسی جدید ایران در جهان عرب تلقی کنیم. (امیدی، ۱۳۸۷، ۱۲۹) پس از ایجاد بحران در سوریه نیز، با توجه به نظریه والت، به نظر می‌رسد که تهدید مشترک و فوری ایران و سوریه در مقطع فعلی، در وهله اول مخالفین داخلی و در مراحل بعدی مخالفین خارجی دولت اسد می‌باشد. تهدید مخالفین داخلی از این جهت مهم است که در مرحله اول، بقای دولت اسد را به خطر خواهد انداخت؛ در مراحل بعدی، با سقوط دولت اسد، محور استراتژیک سه گانه قطع خواهد شد و در نتیجه، استراتژی موازنه تهدید ایران با چالش مواجه می‌شود و تهدیدهای امنیتی آن در منطقه افزایش خواهد یافت. از طرف دیگر، دولت برآمده از این بحران می‌تواند یک شریک استراتژیک برای رقیبان ایران در منطقه محسوب شود. (نیاکوئی، اسمعیلی، ستوده، ۱۳۹۲: ۱۳۳)

بنابراین جمهوری اسلامی ایران در قبال بحران داخلی سوریه در برابر تهدید مشترک مخالفین داخلی و خارجی، از راهبرد کلان موازنه تهدید در منطقه بهره گیرد.

۲-۳- تحلیل مواضع ایران در بحران سوریه

ایران در منازعه سوریه رویکرد حفظ وضع موجود را دنبال مینماید. برای تحلیل این رویکرد در نظر گرفتن جهت گیری کلی حاکم بر سیاست خارجی ایران حائز اهمیت است. جمهوری اسلامی ایران منطبق با اصل ۱۵۲ قانون اساسی، خود را بر اساس نفی هر گونه سلطه جویی و سلطه پذیری، حفظ استقلال همه جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرتهای سلطه گر و روابط صلح آمیز متقابل با دول غیر محارب استوار نموده و بر این اساس مبارزه با آمریکا و اسرائیل و دفاع از نهضت مردمی مقاومت در برابر اسرائیل، در سیاست خارجی ایران نقش اساسی را ایفا می‌نماید. ایران خود را رهبر جناح مقاومت در برابر آمریکا و اسرائیل می‌داند و چون دمشق یکی از اعضای مهم جبهه مقاومت است، تعبیر وضع موجود در سوریه یعنی تضعیف محور مذکور و این مغایر با اهداف و منافع ملی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران است. (عباسی، محمدی، ۱۳۹۲: ۸۴) در حقیقت ایران سعی می‌کند استراتژی اتحاد و افزایش نفوذ و تاثیر گذاری در منطقه را حفظ کند. البته در مقابل نقش مثبت و سازنده ایران در حل بحران سوریه، همواره جبهه مقابل این اتحاد چالش‌های جدی را اعم از پروژه ایران هراسی در مقابل قرار داده است. که ادعاها و فراقکنی‌های کشورهای غربی و عربی در قبال نقش مخرب ایران در تحولات سوریه

برگرفته از شکست‌های گسترده آنان در حوزه داخلی سوریه و هراس آنها از رویکرد جهانی به ابتکارهای ایران برای حل بحرانهای منطقه‌ای از جمله در قبال سوریه است بنابر این فراقکنی آنها را نمی‌توان نشانه قدرت آنان دانست بلکه آنها با فراقکنی و پروژه ایران هراسی به دنبال پنهان‌سازی شکست‌های خود هستند. فضایی تبلیغاتی که در حوزه رسانه‌ها صورت می‌گیرد تا افکار عمومی جهان از حقایق جاری در داخل ایران در حوزه انتخابات و دستاوردهای مقاومت در منطقه دور شوند و در مسیر اهداف دشمنان مقاومت قرار گیرند. نکته مهم آنکه رژیم صهیونیستی تنها در این عرصه نقشی کم‌رنگ را برعهده گرفته تا چنان القا کنند که کشورهای منطقه و قدرتهای جهانی در برابر ایران ایستاده اند نه رژیم صهیونیستی که خصوصتیش با ایران برای همگان آشکار است و دیگر ادعاهایش در جهان خریداری ندارد. (خابلوکی، ۱۳۹۲: ۲۰-۲۱)

کشور جمهوری اسلامی ایران در طول ۳۳ سال انقلاب در مسایل مختلف منطقه‌ای و بین‌المللی بویژه در زمینه‌ی تهدید و دشمن مشترک و همچنین منافع ملی مشترک با کشور سوریه همگرایی و همبستگی داشته است و هم اکنون که سوریه دچار بحران شده است، ایران با تمام وجود اعلام می‌کند که ما مخالف سقوط حکومت سوریه هستیم و دلایل ایران هم کاملاً روشن است، چون منافع ملی و امنیت ملی و همچنین حلقه‌ی مقاومت (متشکل از ایران، لبنان و سوریه) آسیب می‌بیند. جمهوری اسلامی ایران، معتقد است؛ اصلاحات در سوریه انجام شود و بر اساس آن مردم به حق و حقوقشان برسند و حکومت بشار اسد هم حفظ شود. (بشارتی، ۱۳۹۲: ۳۲) سوریه علاوه بر اهمیت راهبردی به دلیل جایگاهش در جبهه مقاومت و ارتباط و اتحاد با جمهوری اسلامی در محاسبات منطقه‌ای و جهانی، اهمیت مضاعف پیدا کرده است. جمهوری اسلامی ایران، سوریه را به عنوان عمق استراتژیک خود تعریف می‌کند و حفظ وضع موجود در سوریه و یا پایان دادن به بحران آن با تثبیت حکومت بشار اسد، برای ایران اهمیت به‌سزایی دارد. با توجه به موارد فوق، ایران در قبال بحران سیاسی اخیر سوریه، قاطعانه از حکومت اسد حمایت کرده است. باید توجه داشت که چشم انداز سقوط دولت اسد برای جمهوری اسلامی ایران نگران‌کننده می‌باشد و عملاً سقوط دولت اسد، انزوای ایران در منطقه را افزایش می‌دهد، زیرا هر حکومتی که پس از اسد در سوریه به قدرت برسد، کمتر از این رژیم میل به همکاری با ایران خواهد داشت. (نجات، ولدانی، ۱۳۹۲، ۳۹-۴۰)

با توجه به مطالب فوق، اهداف و منافع جمهوری اسلامی ایران از اتخاذ رویکرد حفظ وضع موجود در منازعه سوریه، به شرح زیر قابل دسته‌بندی است:

- ۱- جلوگیری از تضعیف قدرت محور مقاومت،
- ۲- جلوگیری از کاهش قدرت و نفوذ منطقه‌ای خود که ربط مستقیم با مورد نخست دارد،

۳- جلوگیری از تغییر موازنه قوا به نفع کشورهایمانند ترکیه، عربستان و اسرائیل،

۴- جلوگیری از نفوذ بیشتر آمریکا،

۵- جلوگیری از تضعیف امنیت نظامی خود با از دست رفتن عمق راهبردی در منطقه شامات. (عباسی،

محمدی، ۱۳۹۲: ۸۹)

۳-۳- راهبرد مستشاری ایران در مبارزه با تکفیری‌ها در سوریه

۳-۳-۱- ضرورت مبارزه با جریان تکفیری برای ایران

شکل گیری و گسترش دامنه جریان تکفیری داعش چالش‌های بالقوه و بالفعل گسترده‌ای برای

جمهوری اسلامی ایران ایجاد کرده است که اهم آنها بدین شرح می‌باشد:

الف) چالش استحاله و قرائت ناصحیح از مفاهیم اسلامی

یکی از چالش‌های مفهومی فتنه داعش، ساخت تصویر و مفهوم‌سازی از مفاهیم ارزشمند و بنیادین

اسلام به ویژه اسلام انقلابی همچون جهاد است. جهاد به عنوان رکن اصلی اسلام انقلابی هم اکنون با

سخت‌ترین تفسیر از آن گره خورده و تا مدت‌ها در ذهن ملت‌ها خواهد ماند و تصویرسازی از آن بویژه در

شبکه‌های مجازی و انتشار عکس و فیلم با عنوان جهاد که با جستجوی ساده در پایگاه‌های اجتماعی و

موتورهای جستجو حاصل می‌شود روند بدبینی به اسلام انقلابی راستین را دچار خدشه خواهد ساخت.

همچنین است مفهوم‌سازی و تصویرسازی نسبت به مفهوم ارزشمند نکاح که سنت پیامبر اسلام (ص) بوده

و اینک با زشت‌ترین تعبیر خود روبه رو شده است.

ب) چالش تقویت گفتمان ضد ایرانی در منطقه

پس از پیروزی انقلاب اسلامی روز به روز بر محبوبیت جمهوری اسلامی در میان مردم منطقه افزوده

شده و این محبوبیت را می‌توان حتی در میان ملتی که هشت سال با ایران جنگیدند نیز به خوبی دید. در

این میان برخی گروه‌های مخالف ایران که عمدتاً در سلسله مراتب وابستگی به آمریکا و برخی کشورهای

بزرگ منطقه قرار می‌گیرند با کوفتن بر طبل ارتباط گرم دولت کنونی عراق با ایران به ایجاد ذهنیت در

مردم و تخریب وجهه دوگانه دولت عراق و ایران می‌پردازند و سر بر آوردن داعش را نتیجه این ارتباط

می‌دانند.

ج) چالش به حاشیه رفتن الگوی عملی نظام ایران در سایه خشونت داعش

آنچه بیش از هر چیز باعث تهدید جریان‌های افراطی کشورهای منطقه شده خطر سرایت الگوی نظام سیاسی ایران به سایر مناطق و وام‌گیری احزاب و جریان‌های نظام‌ساز در این مناطق پس از بیداری اسلامی بوده است. اینک که با پررنگ ساختن و بزرگنمایی تحركات داعش، الگوی عملی اسلام را به الگوی افراطی داعش تقلیل داده و برای افکار عمومی جهان پررنگ ساخته‌اند این نگرانی وجود دارد که عدم تبیین صحیح الگوی مردمسالاری جمهوری اسلامی این الگوی راهگشا را در محاق مدل بی‌ریشه داعشی برده و نظام اسلامی با نام جنایات داعش و نه با الگوی مترقی جمهوری اسلامی عجین گردد.

د) چالش ایجاد رعب در منطقه

ترفند اصلی گروهک داعش، بهره‌گیری از ترفند رعب و وحشت در دل مناطقی است که قصد تصرف دارند. با این عملیات روانی بخش قابل توجهی از مردم مناطق در معرض تهاجم که مهمترین موانع جنایتکاران در منطقه‌اند عرصه را برای ورود و حضور بی‌مانع آنان خالی و زمینه را برای تصرف ساده این مناطق فراهم می‌سازند. با توجه به توان تبلیغی گسترده حامیان داعش برای القای این رعب از طریق رسانه‌های فراگیری همچون بی‌بی‌سی فارسی و العربیه و... و نیز شبکه‌های مجازی و پایگاه‌های اینترنتی و غفلت عناصر رسانه‌ای ایران در انتشار بخشی از این جنایات، این امکان وجود دارد که برخی مناطق هم‌مرز با ایران چه در خاک عراق و چه در داخل ایران، مهاجرت‌های ناخواسته داشته و ضمن خالی نمودن سنگر مقابله با گروهک داعش، تبعات اجتماعی و فرهنگی ناخواسته‌ای بر سایر مناطق مهاجرپذیر تحمیل نمایند.

ه) چالش ترور و تهدید کور

یکی از چالش‌های گروهک‌های تروریستی که عمدتاً مشابه هم عمل می‌کنند ایجاد ترورهای کور و اقدامات تروریستی در مناطق شهری است. این امر که عمدتاً پس از ناکامی گروهک‌ها در کسب توفیقات واقعی و شکست‌های مستمر رخ می‌دهد ممکن است در اثر عدم اشراف دقیق اطلاعاتی و امنیتی از یکسو و رشد قارچ گونه تفکرات نوسلفی در داخل کشور به ایجاد چالش‌های کور امنیتی بویژه در شهرهای مذهبی کشور منجر گردد. گرچه بی‌شک گروهک حقیر داعش را برای نظام بزرگ جمهوری اسلامی نمی‌توان یک چالش بزرگ دانست اما آنچه ذکر شد چالش گونه‌های احتمالی است که گرچه ممکن است امکان وقوعی اندکی داشته باشد اما توجه و رصد آنها به عنوان عوامل موثر بر تدوین سناریوهای آینده منطقه می‌تواند بسیار راهگشا باشد. (اخضریان کاشانی، ۱۳۹۳)

ی) چالش اختلاف افکنی قومی - مذهبی

ایران با توجه به مختصات جغرافیایی خود دارای مرزهای طولانی با کشورهایی است که تفکر تکفیری در آنها رواج فراوان دارد، و همین عامل خود می‌تواند یک نگرانی بالقوه برای کشور باشد، به ویژه آنکه ایران در طول تاریخ به لحاظ مذهبی هم تفاوت‌های بنیادینی با صاحبان این نوع تفکر داشته است این نکته زمانی اهمیت پیدا می‌کند که بدانیم یکی از عمده دلایل کشتار بخشی از مردم عراق و سوریه به دلیل همین تفاوت‌های مذهبی است، تفاوت‌های مذهبی که در طول سالها و بر اثر رفتارهای اشتباه هر دوسو به کینه‌های مذهبی تبدیل گشته و موجب شده است که وهابیون و سلفی‌های تندرو، برخلاف مشی بزرگان اهل سنت بر طبل نفاق و کینه ورزی با ایرانیان شیعه می‌کوبند و کینه‌ای دیرینه از تشییع را در دل پیروانند بدین جهت ممکن است، عامل همسایگی و دسترسی به مرزهای ایران با بغض‌های مذهبی و اعتقادی در هم آمیزد و معجون خطرناکی به دست وحشیان داعش دهد که چشم طمع بر این آب و خاک افکنند. (بهار نیوز، ۱۳۹۳)

۲-۳-۳- موازنه تهدید و نقش مستشاری ایران در سوریه

همان طور که در متن آورده شد، تهدید مشترک علیه امنیت، عامل اصلی اتحاد و همگرایی ایران و سوریه می‌باشد. جمهوری اسلامی ایران در جهت ایجاد موازنه در برابر تهدیدات، اقدام به حضور مستشاری در سوریه در جهت مبارزه با تکفیری‌ها نموده است.

در جهت شکل گیری این موازنه تهدید، مقامات نظامی ایران نقش نیروهای مستشاری ایرانی در سوریه را به ۴ سطح تقسیم می‌کنند:

- سطح اول (راهبردی) است که ایران حمایت سیاسی و معنوی را از ملت، دولت و ارتش سوریه به عمل می‌آورد و به‌عنوان مستشار تجربیات جنگی خود را به فرماندهان سطوح عالی‌رتبه ارتش سوریه منتقل و امکانی را فراهم می‌کند که آنها طراحی‌های نظامی و دفاعی خود را براساس تجربیات و تدابیری که مقامات ایرانی در طول سال‌های سال جنگ با ارتش‌های مختلف به دست آوردند، انجام دهند. ایران در نوسازی و بازسازی ارتش سوریه در سطح راهبردی و عملیاتی به آنها کمک می‌کند. ارتش سوریه امروز ۴ سال است که درگیر یک جنگ فرسایشی است و این ارتش به یک تغییر ساختار نیاز دارد و احساس شد که ارتش سوریه نیاز به یک مکمل دفاعی دارد و آن مشارکت مردم در صحنه است. مقامات ایران به دلیل تجربیات بسیار ارزشمندی که در توسعه بسیج مردمی برای دفاع از ارزش‌های خود داشته‌اند، این مفهوم را

به‌شکل ساختاری، سازمانی و عملیاتی در سیستم دفاعی سوریه وارد کردند و در حال حاضر نظام سوریه کنار ارتش قدرتمندی که دارد، یک نیروی مردمی پا به کاری را نیز دارد که اینها دو مکمل دفاعی یکدیگر محسوب می‌شوند که براساس مشاوره راهبردی و مستشاری ایران بوده است.

- سطح دوم (عملیاتی)، در این سطح به فرماندهان سطوح عملیاتی سوریه کمک می‌شود، زیرا زمانی که سطح مشاوره به سطوح عملیاتی جنگ منتقل می‌شود به لحاظ تدبیر سطوح میانی جنگ را مدیریت می‌شود که این سطح هم در توضیح آمادها، یافتن طرح‌های لجستیکی برای پشتیبانی درست از یگان‌هایی که عمل می‌کنند، آموزش فرماندهان سطوح میانی که کار بسیار مؤثری محسوب می‌شود که این نیز مستشاری سطح عملیاتی محسوب می‌شود و فرماندهان ما در طراحی راهبردهای عملیاتی برای غلبه بر دشمنان کمک می‌کنند.

- سطح سوم (تاکتیکی)، این سطح به فیزیک مستقیم رزم مربوط می‌شود که فرماندهان گردان‌های ارتش سوریه نیز از خدمات مستشاری فرماندهان ایرانی مستثنی نیستند.

- سطح چهارم (فنی)، این سطح به آماده‌سازی، تعمیر تجهیزات، آموزش برای نگهداری و تعمیرات، امداد و نجات و این چنین موضوعات منتهی می‌شود که این سطوح براساس درخواست‌ها و تعاملاتی که به‌شکل رسمی ایران با دولت سوریه دارد، انجام می‌شود. (سلامی، ۱۳۹۴)

۳-۳-۳- عملکرد مستشاری ایران در سوریه

الف) بسیج نیروی "دفاع وطنی"

زمانی که بحران در سوریه آغاز شد عده کمی از فرزندان کشورمان برای ارائه کمک‌های فکری به این کشور رفتند؛ که یکی از نتایج این حضور علاوه بر مقاومت چهار ساله در برابر تکفیری‌ها و حامیان غربی و عربی آنها، می‌توان به راه‌اندازی نوعی بسیج بنام «دفاع وطنی» اشاره کرد. نیرویی که نقش غیر قابل انکاری در پیروزی‌های به دست آمده مقابل تکفیری‌ها دارند. شکل‌گیری دفاع وطنی که داوطلبان سوری جهت مقابله با گروهک‌های تکفیری هستند نیازمند فعالیت‌های فرهنگی، فکری و تبلیغاتی است. این بسیج مردمی با قرار گرفتن در کنار دولت موجب شدند تا دمشق از خطر سقوط رهایی یابند.

ب) پایش رفتار و فعال‌سازی کانون‌های بسیج با محوریت فرهنگی

بیشتر اقدامات مستشاری ایران حول محور پایش رفتار و فعال‌سازی کانون‌های بسیج با محوریت فرهنگی و حضور پرشور مردم در میدان مبارزه و مقاومت بود. مقامات نظامی ایرانی سعی نکردند رفتارها را مهندسی کند و یا از اصول و قواعد طراحی استفاده کنند؛ بلکه به اقدام عملی برای اثبات رفتارهای وحدت‌آمیز و عزت‌آفرین پرداخته‌اند. برای افزایش معنویت، وحدت و انسجام در سوریه گروه‌هایی با نام «کشاب» را ویژه نوجوانان سنی، علوی، مسیحی و اسماعیلیه تشکیل دادیم تا از این دریچه بتوانیم مقصودمان را صریح‌تر به سمع و نظرشان برسانیم. صدور فرهنگ دفاع مقدس و تشکیل بسیج مردمی، از دیگر دستاوردهای همکاری مستشاری ایران در سوریه است، با تشکیل بسیج مردمی، فرماندهان و مسئولانی که توسط دشمنان تضعیف شده بودند دوباره جان گرفتند و از طرفی دیگر، هراس داعش و جبهه النصره از نیروهای بسیجی نشان می‌دهد فرهنگ دفاع مقدس به خوبی در میان جوانان سوریه به‌عنوان یک مدل و الگو معرفی شده است.

ج) "جهاد البناء" تقویت روح وحدت و رفع مشکلات اقتصادی

تشکیل بسیج سازندگی با عنوان "جهاد البناء" نیز بخشی از فعالیت‌های مستشاری ایران بود که به همت جوانان سوری ایران صورت گرفت. صنعت توریسم و نفت بخش مهمی از اقتصاد کشور سوریه را در گذشته تامین می‌کرده است که با شروع درگیری‌ها در سوریه صنعت توریسم تعطیل و بخشی از نفت این کشور به دست داعش افتاد. تشکل "جهاد البناء" باعث شده است که علاوه بر تقویت روح وحدت در سوریه بخشی از مشکلات اقتصادی این کشور نیز بدین گونه رفع شود.

د) توزیع کتاب‌های دفاع مقدس در سوریه

یکی از بارزترین فعالیت‌های تیم مستشاری ایران در سوریه در حوزه فرهنگی توزیع کتاب‌های دفاع مقدس بوده است. تعدادی از کتاب‌های خاطرات دفاع مقدس به زبان عربی ترجمه شده و در سوریه توزیع شده است، تعدادی از این کتاب‌ها نیز به فرمانده نیروی هوایی سوریه اهدا شد، و او پس از مطالعه، تمایل بسیار زیادی به مطالعه و بهره‌گیری از این کتاب‌ها نشان دادند. تاکنون ۲۰ هزار عنوان کتاب دفاع مقدس به زبان عربی ترجمه شده و در سوریه توزیع شده است. (دفاع پرس، ۱۳۹۴)

ه) بسیج نیروهای انسانی از سایر کشورها (مدافعان حرم)

مدافعان حرم اهل بیت یا به اختصار و مشهور به مدافعان حرم نیروهای نظامی هستند که برای مبارزه با تروریست‌ها در کشورهای سوریه و عراق از حرم حضرت زینب (س) حفاظت می‌کنند و به ارتش این کشورها کمک‌های مستشاری می‌کنند. این افراد بیشتر از کشورهای ایران، یمن، افغانستان، عراق، سوریه و لبنان هستند.

اگر مدافعین حرم در کشورهای دیگری خارج از مرز ایران که تروریست‌ها آنجا حضور دارند مانند داعش حضور پیدا نکنند قطعاً شاهد تبعات ناخوشایندی در داخل کشور خود خواهیم بود چرا که این گروه‌های تروریستی به هیچ کس رحم نخواهند کرد. این نوع تفکر برای همه مردم جا افتاده است که مدافعین حرم خارج از مرزهای ایران امنیت داخل کشور را تأمین می‌کند پیش از اینکه هر حرکت نظامی از سوی تروریست‌ها به مرزهای کشور نزدیک شود. (غفوری، ۱۳۹۵)

۴-۳-۳- دستاوردهای مستشاری ایران در سوریه

بحران داعش در سوریه و عراق به رغم همه سختی‌ها و هزینه‌های مادی و معنوی که برای جمهوری اسلامی ایران به دنبال داشته، دستاوردهای قابل توجهی را نیز همراه داشته است که عبارتند از:

- حفظ جبهه مقاومت اسلامی در منطقه
- کسب محبوبیت بیشتر در میان نخبگان و روشنفکران جهان اسلام
- وارد کردن خسارت قابل توجه مادی و معنوی به جبهه دشمن (تکفیری‌ها)
- جلب توجه و نظر گروه‌های اسلام‌گرای واقعی در منطقه
- تضعیف جایگاه و موقعیت دولت‌های عربی وابسته به غرب در منطقه
- فراهم شدن زمینه‌های مناسب برای وحدت ایران، عراق، سوریه و لبنان
- تضعیف موقعیت کلی رژیم صهیونیستی در منطقه
- ایجاد و توسعه چالش میان آمریکا و سلفی‌ها در منطقه
- فراهم شدن زمینه برای درگیری‌های سلفی - سلفی در منطقه
- تقویت جایگاه منطقه‌ای و بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران
- شکست سیاست‌های ضد اسلامی غرب در منطقه
- رسوایی علنی دولت‌های عربی وابسته به غرب نظیر عربستان سعودی و قطر (مشرق نیوز، ۱۳۹۴)

۴- نتیجه‌گیری

نتیجه حاصل شده این است که، باتوجه به نفوذ فزاینده جمهوری اسلامی ایران در منطقه خاورمیانه، تنها کشوری است که می‌تواند امنیت و ثبات را به کشورهای بحران زده برگرداند. در واقع، گروه‌های تکفیری که در ابتدا با حمایت عربستان و اسرائیل شکل گرفته و در جهت تامین منافع این کشورها فعالیت می‌کند، به مهمترین چالش برای امنیت ایران و محور مقاومت تبدیل شده است که این امر واکنش سریع و قاطع ایران را در سال‌های اخیر در سوریه و عراق در پی داشته است. حمایت جمهوری اسلامی ایران از نظام سیاسی حاکم بر سوریه از آغاز بحران به صورت رسمی و آشکار اعلام گردیده است. از نظر جمهوری اسلامی ایران بحران سوریه یک طرح براندازی است که توسط ائتلاف عربی - غربی طراحی شده و هدف آن نابودی سوریه و تضعیف محور مقاومت در منطقه است. دستگاه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از ابتدای بحران، حمایت از امنیت و ملت مسلمان سوریه را در پیش گرفته است و با تاکید بر دیپلماسی و گفتگو خط بطلان محکمی بر سناریوهای غربی - عربی بازیگران این بحران کشیده است. رقبای استراتژیک ایران، با حمایت از اپوزسیون داخلی سوریه، هدف سقوط نظام سوریه را پی می‌گیرند تا از مجرای شکست بشار اسد، محور سه گانه ایران، سوریه و حزب الله را که به محور مقاومت مشهور می‌باشد، متزلزل نمایند. بنابراین ایران در جهت حفظ موازنه قوا و عدم ضربه بر محور مقاومت باید حضوری فعال در این تحولات داشته باشد. معادله قدرت و امنیت در خاورمیانه در حال تغییر است و شکل بندی جدیدی در قدرت و امنیت در حال پدیدار شدن است. اما تمام این تهدیدات باعث نشده تا ایران برای حل بحران و چیدن مهره‌ها به سود خود از دخالت نظامی استفاده نماید.

جمهوری اسلامی ایران، برای حل بحران توجه به سازو کارهای راهبردی و در نتیجه امنیت‌سازی منطقه‌ای را در پیش گرفته است. بر خلاف ایران، رقبای جبهه مقابل بدون توجه به اهمیت مذاکرات و سازوکارهای دیپلماتیک، تحریم و پیشنهاد گزینه نظامی را نتیجه بخش دانسته اند. بنابراین با توجه به الزام حضور ایران در مقابله با جریان تکفیری، ایران بدون حضور مستقیم نظامی در سوریه و عراق و تنها از طریق حضور تیم مستشاری مقامات بلند مرتبه نظامی در سوریه و عراق فعالیت‌های سازندگی، فرهنگی، فکری، تبلیغی و آموزشی بسیاری داشته است. در این زمینه مقامات ایرانی ضمن آموزش فرماندهان نظامی به سازمان دهی مقاومت مردمی طبق تجربیات گذشته ایران پرداخته‌اند؛ همچنین ایران نقش سازنده خود

را با ارائه کمک‌های انسان‌دوستانه و نیز تلاش به منظور حفظ امنیت و یکپارچگی سوریه و عراق داشته است و در این خصوص موفق به پاکسازی مناطق گسترده سوریه و عراق و بازپس‌گیری مناطق اشغال شده توسط داعش شده‌اند.

منابع و مأخذ:

- اخضریان کاشانی، محمدرضا، (۱۳۹۳)، *داعش؛ پایش چالش‌ها و فرصت‌ها*، خبرنامه صادق امید، علی. (۱۳۸۷) *چیستی و چگونگی سیاست خارجی مقایسه‌ای: مطالعه مورد روابط ایران و سوریه*. فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال چهاردهم و پانزدهم، شماره ۴ و ۱.
- برزگر، کیهان و مهدی قاسمی. (۱۳۹۲)، *استراتژی تهدید وجودی اسرائیل و امنیت ملی ایران*. روابط خارجی، سال پنجم - شماره ۱۷.
- بشارتی، محمدرضا. (۱۳۹۲)، *نقش کشورهای منطقه و فرامنطقه‌ای در تحولات و بحران سوریه*، ماهنامه تبیان. شماره ۹۶-۹۵.
- پازن، مژگان (۱۳۹۲)، *نقش رژیم صهیونیستی در رادیکالیزه شدن تحولات سیاسی خاورمیانه (با نگاه به تحولات سوریه)*. دو ماهنامه اطلاعات راهبردی، سال یازدهم، شماره ۱۱۹.
- خانبلوکی، فرید. (۱۳۹۲)، *دلایل اتهام زنی به ایران درباره سوریه*. پیام انقلاب، شماره ۷۳.
- ذوقی بارانی، کاظم و روح الله قادری کنگاوری و محمد رضا فراتی (۱۳۹۰)، *تحلیل ژئوپولیتیک سوریه، بستری برای تدوین سیاست خارجی ایران در خاورمیانه*، سیاست دفاعی، شماره ۷۷.
- روشندل، جلیل (۱۳۷۰)، *تحول در مفهوم استراتژی، مجموعه مقالات اولین سمینار بررسی تحول مفاهیم*، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، چاپ اول.
- روشندل، جلیل (۱۳۷۴)، *امنیت ملی و تدام بین‌المللی*، تهران، انتشارات سمت، چاپ اول.
- رضوانی، علی اصغر، (۱۳۹۰) *وهابیان تکفیری*، تهران، مشعر.
- زارعی، سعدالله، (۱۳۹۳)، *دوستی و دشمنی آمریکا و داعش*، فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال پانزدهم، شماره یک، پیاپی ۵۷.
- سجادپور، محمد کاظم (۱۳۹۲)، *اوباما و سوریه: سه صحنه و یک استراتژی*، دیپلماسی ایرانی.
- سلامی، حسین، (۵ آبان ۱۳۹۴)، *دستاوردهای حضور در سرزمین شام*، خبرگزاری مهر.
- سیف زاده، حسین. (۱۳۶۹)، *نظریه‌های روابط بین‌الملل*، تهران: انتشارات سفیر.
- سیمبر، علی؛ اسمعیلی، علی. (۱۳۹۲)، *علل شکل‌گیری و تداوم اتحاد ایران سوریه (۲۰۰۰-۱۹۷۹)*؛ فصلنامه سیاست جهانی. دوره ۲- شماره ۲.
- صادقی، سعید (۱۳۹۳) *نقش فرانسه و انگلیس در رشد و نمو تروریسم در سوریه*، برهان.

عباسی، مجید و وحید محمدی (۱۳۹۲)، *تبیین رئالیستی منازعه بین‌المللی قدرت در سوریه و پیامدهای آن برای امنیت جمهوری اسلامی ایران*. پژوهش‌نامه ایرانی سیاست بین‌الملل. سال اول. شماره ۲.

غفوری، سلیم (۱۳۹۵)، *اهمیت کار «مدافعان حرم» بسیار بالاست*، انصار حزب الله.

فرمانیان، مهدی (۱۳۹۳)، *بررسی زمینه و مبانی دیدگاه‌های تکفیری داعش*، روشنا.

کدخدایی، عباسعلی و نادر ساعد (۱۳۹۰)، *تروریسم و مقابله با آن*، تهران: مجمع جهانی صلح اسلامی.

کوه خلیل، مرجان (۱۳۹۲). *نقش بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی در ناکارآمدی مذاکرات*

سوریه «ژنو۲». اطلاعات راهبردی، سال یازدهم، شماره ۱۱۹.

کیانی، داوود و زهره خانمحمدی (۱۳۹۲)، *واکاوی علل حضور روسیه در بحران سوریه*. فصلنامه راهبرد.

سال بیست و دوم. شماره ۶۹.

گرفیس، مارتین. (۱۳۸۸)، *دانشنامه‌ی روابط بین‌الملل و سیاست جهان*، ترجمه‌ی علیرضا طیب،

تهران: نشر نی.

محمدی، مصطفی، (۱۳۹۱)، *مثلث ایران، روسیه و چین در بحران سوریه*، پیام انقلاب، شماره ۶۶.

مقتدر، ه. (۱۳۵۸)، *مباحثی پیرامون سیاست بین‌الملل و سیاست خارجی*. تهران: انتشارات

دانشکده علوم سیاسی و اجتماعی.

موقیان، پرستو؛ احمدی، سیدعباس؛ عظیمی، یاسر. (۱۳۹۱)، *تحولات سوریه: بررسی و ارزیابی آرایش*

جغرافیایی نیروهای درونی و گرایش بیرونی آنان. نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی. دوره

۱۲، شماره ۲۷.

نجات، سیدعلی؛ جعفری ولدانی، اصغر؛ (۱۳۹۲). *بررسی نقش و جایگاه جمهوری اسلامی ایران در*

بحران سوریه، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی. سال سوم. شماره ۸ (۲۱)

نیاکوئی، سید امیر و علی اسمعیلی و علی اصغر ستوده. (۱۳۹۲) *تبیین راهبردی امنیتی ایران در قبال*

بحران سوریه (۲۰۱۳-۲۰۱۱). فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال سوم، شماره اول.

_____، (۱۹ شهریور ۱۳۹۳)، *خطر داعش برای ایران؛ خیلی دور، خیلی نزدیک*، بهار نیوز.

_____، (۴ فروردین ۱۳۹۴)، *دستاوردهای بحران سوریه برای ایران چه بوده است؟*، مشرق نیوز.

_____، (۵ آبان ۱۳۹۴)، *هنوز مانده تا انبارهای موثکی مدرن‌مان را نشان دهیم*، همشهری آنلاین.

Kozhanov, nikolay. (2014) "Russian-surian dialogue: myths and realitie".
Journal of the middle east and Africa,5:1-22.
_____, (November 2014), ISIS: Portrait of a Jihadi Terrorist Organization ,The
Meir Amit Lntelligence and Terrorism Information Center,101-14.